

اهمیت سنجی عدالت و امنیت از منظر قرآن*

محمد بهرامی^۱

چکیده:

یکی از موضوعات مهم و کلیدی زیرمجموعه عدالت و امنیت، بحث اهمیت عدالت یا امنیت است. در این بحث سه فرضیه درخور تصور است. در یک فرضیه عدالت اهمیت دارد و اهمیت آن بیش از امنیت است. در فرضیه دوم، امنیت اهمیت دارد و عدالت در رتبه بعدی قرار می‌گیرد، و در فرضیه سوم، عدالت و امنیت اهمیت برابر دارند و هیچ کدام بر دیگری مقدم نیست. پژوهش پیش رو با روش کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی آیات قرآن به سرانجام رسیده و نتیجه آن، اثبات اهمیت عدالت است و مستندسازی آن به تعریف عدالت و امنیت، آیات قرآن و روایات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

عدالت / امنیت / قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.44625.1256

عدالت و امنیت به‌عنوان دو نیاز اصلی و کلیدی انسان و دو وظیفه قطعی و حتمی قدرت سیاسی، از اصطلاحات بسیار پرکاربرد در ادبیات دینی و سیاسی است. در زیرمجموعه این دو اصطلاح، موضوعات گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آنها، اهمیت امنیت و عدالت و تقدم یکی بر دیگری است. در تقدم و تأخر رتبی امنیت از جهت اهمیت، چند فرضیه درخور تصور است؛ هرچند ممکن است که برخی فرضیه‌ها طرفدار نداشته باشد.

فرضیه نخست: اهمیت بیشتر امنیت

امنیت نیاز اصلی انسان است و اهمیت آن بیشتر از عدالت است. در این فرضیه وظیفه اصلی حکومت در مرحله نخست، تأمین امنیت است و در مرحله دوم برقراری عدالت. برای نمونه، هابز از آن جهت که امنیت را بسیار پراهمیت می‌داند، فلسفه شکل‌گیری دولت‌ها را تأمین امنیت می‌داند و ناامنی‌ها را از عوامل اصلی پدید آمدن دولت‌ها می‌بیند. به باور هابز، اهمیت امنیت تا بدان‌جاست که با ناامنی، انسان زیست در وضع طبیعی را تجربه نخواهد کرد، با دیگر انسان‌ها به ستیز و دشمنی برخواید خواست و در نتیجه نه قانونی شکل خواهد گرفت و نه درک درستی از عدالت پدید خواهد آمد و نه عدالت تحقق خواهد یافت (هابز ۱۸۹).

در جهان اسلام نیز برخی امنیت را از جهت اهمیت مقدم بر عدالت خوانده و در دوران امر میان امنیت و عدالت، امنیت را مقدم می‌کنند. برای نمونه در فقه سیاسی اهل سنت، امنیت در مقایسه با عدالت از اهمیت بیشتری برخوردار است و استوار بر این باور، خروج بر حاکم ظالم، حرام دیده شده و اغتشاش و آشوب ناروا معرفی می‌گردد (عبدالله بن قدامه، ۵۳/۱۰؛ شربینی، ۱۲۳/۴). اهل سنت برای اثبات مدعای خویش به احادیث پیامبر، سیره صحابه و تابعین و لزوم امنیت استناد می‌کنند.

فرضیه دوم: اهمیت بیشتر عدالت

عدالت نیاز اصلی و کلیدی انسان است و اهمیت آن از امنیت بیشتر است. این دیدگاه نیز در میان اندیشمندان غربی طرفدارانی دارد که یکی از برجسته‌ترین آنها،



جرمی والدرون است (روزنامه شرق، ۳۰ مرداد ۱۳۸۴). این نظریه نیز در جهان اسلام طرفدارانی دارد. برای نمونه در فقه سیاسی شیعه، عدالت اهمیت بیشتر داشته و خروج بر حاکم جور از واجبات خوانده می‌شود.

فرضیه سوم: اهمیت برابر عدالت و امنیت

امنیت و عدالت از نیازهای ضروری بشر شناخته می‌شود و اهمیت هیچ یک برتر از دیگری نیست.

فرضیه‌های یاد شده از چندین زاویه درخور بحث و بررسی است که در نوشتار پیش رو، از زاویه قرآن مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس اهمیت‌سنجی عدالت و امنیت در سه مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله نخست کاربرد عدالت و امنیت در قرآن به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. در مرحله دوم آیاتی که دلالت بر اهمیت عدالت و امنیت دارد، به بحث و بررسی گذاشته می‌شود و در مرحله سوم، اهمیت‌سنجی هر یک از عدالت و امنیت مورد ارزیاب و نقد قرار می‌گیرد.

مرحله نخست: کاربرد عدالت و امنیت در قرآن

۱. کاربرد عدالت

در آیات وحی، عدالت بسیار ارزشمند و مقدس معرفی شده و نقطه مقابل آن که ظلم است، ناروا و ناشایست نشان داده شده است. واژه «عدل» در آیات قرآن معانی چندی به خود گرفته که رعایت تساوی، رعایت انصاف در صلح، دوری از افراط، قرار گرفتن هر چیز در جای خود و ... شماری از این معانی است. در کلام معصومین نیز عدالت به معنای «وضع الامور فی موضعها» آمده است. امام علی علیه السلام در تفاوت عدالت و بخشش می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يَخْرُجُهَا مِنْ جِهَتِهَا. وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)؛ «عدالت کارها را بدان‌جا می‌نهد که باید و بخشش آن را برون نماید. عدالت تدبیرکننده‌ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان».

در عبارت یاد شده، امام علیه السلام دو ویژگی برای عدالت بیان می‌کنند. خصوصیت نخست آنکه عدالت کارها را در جایگاه خود قرار می‌دهد، و خصوصیت دوم آنکه عدالت تدبیری عمومی است.

سخن امام در تفاوت عدل و جود، بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام را به تعریف عدالت رهنمون می‌سازد؛ به گونه‌ای که شمار درخور توجهی عدالت را به «وضع الشیء فی موضعه» معرفی می‌کنند. برای نمونه فارابی، سبکی، فخر رازی، سید حیدر آملی و قلقشندی، عدالت را قرار دادن هر چیز بر سر جای خود می‌خوانند (فارابی، ۵۸؛ سبکی، ۵۶۴/۲؛ فخر رازی، ۱۹۳/۲۵؛ آملی، ۲۰۵/۴؛ قلقشندی، ۷۸/۱۳). آقا ضیا عراقی، عدل را «وضع الشیء فی محله» معرفی می‌کند (عراقی، ۲۴۳).

چنان‌که شماری دیگر با تعریف جور و ظلم به عنوان نقطه مقابل عدالت، از دیدگاه خویش در مورد تعریف عدالت پرده برمی‌دارند. برای نمونه ابن فهد حلی (۲۶۵)، حر عاملی (۵۱۴)، العینی (۲۸۳/۱۲)، ابن الجوزی (۱۲/۱) و ثعلبی (۱۸۲/۱)، جور و ظلم را «وضع الشیء فی غیر موضعه» تعریف می‌کنند.

شیخ طوسی نیز با الهام از سخن امام علیه السلام، عدالت را «جعل الشیء علی قدر ما تدعوا الیه الحکمه» (طوسی، المبسوط، ۲۹۴/۷) معرفی کرده و متعادل بودن انسان را عدالت می‌خواند. هم‌ایشان عدالت در شریعت را از جهت معنایی اعم از عدالت در دین، عدالت در مروت و عدالت در احکام می‌خواند. عدل در دین را به مسلم بودن می‌داند و عدل در احکام را به بالغ و عاقل بودن می‌شناسد (طوسی، المبسوط، ۲۱۷/۸؛ ابن ادریس حلی، ۱۱۷/۲؛ علامه حلی، ۴۸۲/۸). علامه طباطبایی نیز عدالت را «اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» می‌نامد (طباطبایی، ۳۷۱/۱).

۲. کاربرد امنیت

در قرآن امنیت نیز یک نیاز خواننده شده و خوف به عنوان نقطه مقابل آن، ناپسند و نامطلوب شناسانده شده است. در آیات قرآن، واژه امنیت که مصدر جعلی و صناعی از ریشه «امن» است، مورد استفاده قرار نگرفته، اما کلمه «امن» و مشتقات



آن، ۸۷۹ مرتبه به کار رفته است که از این میزان، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی آمده است (روحانی، ۳۷۲/۱).

در آیات قرآن، امنیت دو معنای مثبت و منفی به خود گرفته است. در معنای منفی، امنیت نبود خوف قلمداد شده (طوسی، التبیان، ۱۹۰/۳؛ آلوسی، ۱۳۴/۲۵)، و در معنای مثبت، امنیت وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های فردی، اجتماعی و گروهی دیده می‌شود.

برای نمونه در دو آیه شریفه زیر، خواسته ابراهیم و شعیب علیه السلام، امنیت مثبت است، نه منفی. حضرت ابراهیم علیه السلام وجود شرایط مطلوب برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های فردی و اجتماعی را می‌طلبد؛ ﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّ ارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَّ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ...﴾ (بقره/۱۲۶)، و حضرت شعیب علیه السلام امنیت مطلق را به موسی علیه السلام وعده می‌دهد، نه امنیتی که به معنای نبود تهدید است؛ ﴿... فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ﴾ (قصص/۲۵).

مرحله دوم: اهمیت عدالت و امنیت

۱. اهمیت عدالت

در قرآن آیات بسیاری بر ارزش و اعتبار عدالت دلالت دارد که از آن مجموعه، در این نوشتار تنها آیاتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که ریشه «عدل» و «قسط»، یا «ظلم» به عنوان نقطه مقابل عدل در آنها به کار رفته باشد. آیات عدالت را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد که برخی از مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

الف) برقراری عدالت، فلسفه ارسال رسل

﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا بَايِّنٰتٍ وَّ اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَّ الْمِيزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَّ اَنْزَلْنَا الْحَدِيْدَ فِيْهِ بَاسٌ شَدِيْدٌ وَّ مَنَافِعٌ لِّلنَّاسِ وَّ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَّ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ﴾ (حدید/۲۵). در این آیه شریفه، فلسفه ارسال رسل، کتاب آسمانی و میزان، برپایی عدالت معرفی شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

«مراد از «المیزان» به قرینه سیاق آیه شریفه، دین است و فلسفه و غرض از

تشریح دین و ارسال رسل و کتب آسمانی، برپایی عدالت است.» (طباطبایی،

۱۹/۱۷۱)

ب) فراخواندن پیامبران به عدالت

۱- ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾
(مائده/۴۲).

۲- ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ (اعراف/۲۹).

۳- ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (شوری/۱۵).

دلالت: در آیه نخست، قسط به عدالت تفسیر شده و حاکم اسلامی موظف به دادگری است (حائری تهرانی، ۲۱/۴؛ قمی مشهدی، ۱۲۲). در آیه دوم، قسط به عدالت تفسیر شده (طوسی، التبیان، ۶۵/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲۴۰/۴؛ کاشانی، ۵۱۱/۲) و از پیامبر، مطلق عدالت مطالبه شده است. در آیه سوم، از عدالت محوری پیامبران در تمامی زمانها می گوید و بی عدالتی را از ساحت پیامبران به صورت کلی نفی می کند (طوسی، التبیان، ۳۸۸/۵؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۲۸۰/۳؛ همو، مجمع البیان، ۴۳/۹).

ج) عذاب آزاردهندگان و قاتلان عدالت پیشگان

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (آل عمران/۲۱).

دلالت: در این آیه شریفه، قتل عدالت پیشگان از خصوصیات کافران خوانده شده و برای ایشان، عذابی دردناک قرار داده شده است.



د) فراخواندن اهل ایمان به عدالت

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء/۱۳۵)

دلالت: در این آیه شریفه، عدالت مطلوب و لازم خوانده شده، بلکه بودن عدالت، عدالت‌پیشگی و عدالت‌محوری مؤمنان مطالبه شده و عدول از عدالت و جور بر دیگران، ناروا معرفی شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۲/۱۲۳؛ مغنیه، ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۰۸/۵). افزون بر این، عدالت مورد نظر آیه شریفه کلی است و تمامی شکل‌های عدالت را دربر می‌گیرد و نمی‌توان آن را محدود به نوع خاصی از عدالت، مانند عدالت قولی یا فعلی کرد. چنان‌که وجوب عدالت در حق افراد خاصی نیست، بلکه تمامی افراد اعم از فقیر، غنی، عالم، جاهل، مسلم، غیر مسلم، خویشاوند و غیر خویشاوند را شامل می‌شود؛ هرچند رعایت عدالت در حق خویشاوندان به ضرر ایشان باشد (دروزه، ۲۵۷/۸).

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۸).

دلالت: آیه شریفه تمامی دلالت‌های آیه قبل را دارد و افزون بر این، در مقایسه با آیه قبل اطلاق بیشتری دارد. در آیه قبل مؤمنان از بی‌عدالتی نسبت به غیر خویشاوندان نهی شده بودند، اما در این آیه، مؤمنان از بی‌عدالتی نسبت به دشمنان خویش نیز حذر داده می‌شوند؛ تا آنجا که برخی مفسران، کفر را نیز دلیل بی‌عدالتی ندانسته، عدالت نسبت به دشمنان و غیر دشمنان را لازم و ضروری خوانده و آیه را خاص کفار قریش نمی‌دانند (قرطبی، ۱۲۰/۶؛ فخر رازی ۱۸۰/۱۱). به عبارت دیگر، در آیه قبل می‌گوید به جهت خویشاوندی عدالت را کنار ننهید و این آیه می‌گوید به جهت دشمنی با گروهی خاص، عدالت را کنار نگذارید. آیه قبل ناظر به عدالت در حق دوستان است و آیه مورد بحث در مورد عدالت نسبت به دشمنان (طباطبایی، ۲۳۷/۵)؛ چنان‌که در روایات نیز به عدالت با دوست و دشمن فرمان داده شده است (نوری، ۳۱۹/۱۱).

۳- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل/۹۰).

دلالته: در این آیه شریفه نیز مطلق عدالت، مطلوب خداوند معرفی شده است. ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَفَالَةِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَا كَافٍ لَكُمْ وَاللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (انعام/۱۵۲).

دلالته: آیه شریفه عدالت در گفتار را مطالبه می‌کند، اما از آن جهت که عدالت در گفتار به عدالت در عمل می‌انجامد، مطلوب آیه شریفه، عدالت در گفتار و عمل خواهد بود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۹۴/۴). افزون بر این، آیه شریفه مطلق عدالت را می‌طلبد و هیچ تفاوتی در اجرای عدالت میان خویشاوندان و غیر ایشان نمی‌بیند، چنان‌که آیه شریفه بر لزوم عدالت از سوی حاکم دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۱/۱۰).

۴- ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغْت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ قَاتِلُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات/۹).

دلالته: آیه شریفه اهمیت عدالت را از امنیت بیشتر می‌بیند، چه اینکه در راستای عدالت می‌توان امنیت یک گروه را مخدوش ساخت و برای از میان بردن اختلاف میان دو گروه، با یک گروه وارد جنگ شد که اگر امنیت اهمیت بیشتری داشت، امر به امنیت تناسب بیشتری داشت تا امر به عدالت.

۵- ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه/۸).

دلالته: در این آیه شریفه، نیکی و عدالت نسبت به کسانی که با مسلمانان به جهت مسایل اعتقادی وارد جنگ نشده و ایشان را از سرزمین خویش بیرون نکرده‌اند، مطلوب معرفی شده است.

۶- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء/۵۸).



۷- ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً﴾ (نساء/۱۲۹).

افزون بر آیات یادشده که مطلق می نماید، آیات دیگری نیز وجود دارد که ناظر به عدالت در موارد خاص است؛ مانند آیات شهادت دو عادل در طلاق (طلاق/۲)، دو عادل در صید محرم (مائده/۹۵)، دو عادل در وصیت (مائده/۱۰۶) و ...

هـ) تمجید و تکریم عدالت پیشگان

- ۱- ﴿وَمِنْ قَوْمٍ مُّؤَسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَْعَدُّونَ﴾ (اعراف/۱۵۹).
 - ۲- ﴿وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كُلُّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيَّمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ (نحل/۷۶).
 - ۳- ﴿وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَْعَدُّونَ﴾ (اعراف/۱۸۱).
- دلالته: در آیات یادشده، عدالت پیشگان تمجید و تکریم شده اند.

و) برخورد عادلانه خداوند با ظالمان

﴿وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (یونس/۵۴).

دلالته: در این آیه از عدالت خداوند در برخورد با ستمکاران سخن گفته شده است، نه از برخورد امنیتی خداوند با ستمکاران.

۲. اهمیت امنیت

در بحث عدالت تنها آیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که کلمه عدالت و ظلم به عنوان نقطه مقابل عدالت را در خود جای داده بود. بنابراین منطقی است که در بحث از امنیت نیز آیاتی مورد بحث قرار گیرد که کلمه «امن» و مشتقات آن، یا «خوف» به عنوان نقطه مقابل امن را در خود جای داده باشد. اما برای اطمینان بیشتر، آیات دیگری که در راستای تأمین امنیت قرار می گیرد نیز در این فراز به صورت فشرده مورد توجه قرار خواهد گرفت. در قرآن چند گروه از آیات به صورت

مستقیم و غیر مستقیم، از اهمیت امنیت حکایت دارد. برخی از مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

گروه نخست: آیاتی که با بهره‌گیری از کلمه «امن» و مشتقات آن، به صورت مستقیم به امنیت اشاره داشته و از اهمیت امنیت حکایت دارد:

۱- درخواست امنیت از سوی ابراهیم علیه السلام: ﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ...﴾ (بقره/۱۲۶).

دلالت: درخواست امنیت برای مکه از سوی ابراهیم علیه السلام از اهمیت امنیت حکایت دارد که اگر امنیت در مقایسه با عدالت، آزادی و ... از اهمیت کمتری برخوردار بود، آن حضرت هیچ‌گاه نخستین خواسته خویش را امنیت قرار نمی‌داد، بلکه عدالت یا آزادی را درخواست می‌نمود.

۲- امنیت‌بخشی خداوند به مجاهدان جنگ احد: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ﴾ (آل عمران/۱۵۴).

دلالت: پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، نخستین هدیه خداوند به برخی از مجاهدان امنیت بود و نه عدالت و آزادی و ...، بنابراین امنیت در مقایسه با عدالت و آزادی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳- توجه یوسف علیه السلام به امنیت مصر: ﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ﴾ (یوسف/۹۹).

دلالت: سخن گفتن حضرت یوسف علیه السلام از امنیت مصر در مراسم استقبال از پدر و برادرانش، از اهمیت امنیت حکایت دارد که اگر عدالت اهمیت بیشتری داشت، آن حضرت از عدالت در مصر سخن می‌گفت، نه امنیت.

۴- امنیت، ویژگی سرزمین آباد: ﴿وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل/۱۱۲).

دلالت: قرار گرفتن امنیت در کنار اطمینان و آرامش به عنوان خصوصیات سرزمین آباد، از اهمیت سه عنصر یادشده حکایت دارد و در صدر قرار گرفتن امنیت از اهمیت بیشتر آن نسبت به اطمینان، آرامش، فراوانی رزق و عدالت خبر می‌دهد.



۵- امنیت، هدف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۵۵).

دلال: معرفی امنیت به عنوان یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان، از اهمیت آن حکایت دارد که اگر موضوع دیگری اهمیت داشت، آن موضوع به عنوان هدف معرفی می شد.

۶- امنیت، نعمت خداوند برای مکیان: ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قصص/۵۷).

دلال: در آیه شریفه، امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند برای مکیان معرفی شده است. بنابراین از اینکه امنیت به عنوان نعمت بزرگ خداوند معرفی شده و دیگر نیازهای انسان به عنوان نعمت نیامده است، نتیجه می گیریم که امنیت اهمیت بیشتری دارد.

۷- امنیت قوم سبأ: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّبْرَ سَبْرًا سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ﴾ (سبأ/۱۸).

دلال: در آیه شریفه از میان نعمت‌هایی که خداوند برای قوم سبأ ارزانی داشته، از نعمت امنیت سخن گفته شده است، بنابراین نتیجه می گیریم که امنیت از دیگر نعمت‌ها اهمیت بیشتری دارد که اگر جز این بود، از آن نعمت‌ها سخن گفته می شد.

۸- امنیت یکی از نعمت‌های بهشت: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾ (سبأ/۳۷).

دلال: یاد امنیت در آیه شریفه به عنوان یکی از نعمت‌های خداوند در بهشت، از اهمیت امنیت در مقایسه با دیگر نعمت‌های خدا در بهشت حکایت دارد؛ به گونه‌ای که به نظر می رسد دیگر نعمت‌ها تحت الشعاع امنیت قرار می گیرد.

۹- نسبت امنیت به خدا: ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش/۴).

دلالت: نسبت امنیت به خداوند از اهمیت امنیت حکایت دارد.

گروه دوم: آیاتی که از معادل نامنی (خوف) که نقطه مقابل امنیت است، سخن می‌گوید و برخی از خصوصیات نامنی را مورد اشاره قرار می‌دهد. در این دسته از آیات، اهل ایمان و عمل صالح برخوردار از امنیت (بقره/۱۱۲)، کفران نعمت عامل نامنی، و نامنی در سطح بسیار گسترده‌ای وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: نامنی افراد نسبت به یکدیگر (بقره/۲۲۹)، نامنی از همسر (نساء/۳۵)، نامنی از ملامتگران (مائده/۵۴)، نامنی از خدایان ساختگی (انعام/۸۱)، نامنی از دشمن، نامنی از عذاب الهی (انعام/۱۵، هود/۷۰)، نامنی از فرعون (یونس/۸۳)، نامنی از متهم شدن به دروغگویی (شعراء/۱۲)، نامنی عامل فرار (شعراء/۲۱)، نامنی موسی علیه السلام از عصا و فرعونیان (نمل/۱۰، قصص/۱۸)، نامنی مادر موسی از فرعونیان (قصص/۷) و

گروه سوم: آیاتی که تأمین امنیت را هدف قرار داده و در قالب‌ها و شکل‌های مختلف، برقراری امنیت را مطالبه می‌کند. برخی از مهم‌ترین این قالب‌ها بدین قرار است:

۱. آیات جهاد

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾
(توبه/۲۹).

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (حدید/۱۰).

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (حج/۳۹).

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ (نساء/۷۵).



﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال/۶۵).

آیات یادشده و آیات دیگری که به عنوان آیات جهاد آمده، از دو جهت دلالت بر اهمیت امنیت دارد:

- ۱- تعداد درخور توجه آیات جهاد که با هدف رفع و دفع تهدید آمده و به برقراری امنیت می‌انجامد، از اهمیت امنیت در نگاه قرآن حکایت دارد.
- ۲- احتمال نسخ آیات عدالت به آیات جهاد از اهمیت جهاد و در نتیجه اهمیت امنیت در مقایسه با عدالت در تمامی موارد یا دست کم در برخی موارد حکایت دارد که اگر جز این بود، احتمال نسخ هیچ‌گاه مطرح نمی‌شد و اگر مطرح می‌شد، نسخ آیات جهاد به عدالت بود، نه آیات عدالت به جهاد.

۲. آیات قصاص

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۷۸).

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۷۹).

﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۱۹۴).

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (مائد/۴۵).

۳. آیات حدود

حدود در اصطلاح به آن مجازات‌هایی گفته می‌شود که دارای حد و مرز معین و مشخص است و تعزیر به مجازات‌هایی گفته می‌شود که مقدار آن از سوی شارع تعیین نشده است. حدود که در آیات قرآن با هدف تأمین امنیت و از میان بردن

عوامل ناامنی وضع شده، دارای انواع و اقسامی است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- حد محاربه: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده/۳۳).

۲- حد سرقت: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (مائده/۳۸).

۳- حد زنا: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور/۲).

۴- حد کذف: ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۴).

مجازات قتل، صلیب، تبعید، شلاق، قطع عضو و ... برای کسانی که ایجاد ناامنی کرده و امنیت را از جامعه اسلامی سلب می‌کنند، از اهمیت امنیت حکایت دارد.

۴. آیات دیات

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۹۲).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتْلُ فِي الْحَرْبِ وَالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آذَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۷۸).

پرداخت خون‌بها و آزاد کردن برده حتی در مواردی که قتل عمد صورت نگرفته است، از تأکید قرآن بر امنیت و اهمیت آن حکایت دارد.



۵. آیه اصلاح ذات البین

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات/۹).

بر اساس آیه شریفه، در مرحله نخست باید نزاع میان دو گروه خاتمه پیدا کند و امنیت برقرار گردد و در مرحله دوم، عدالت میان دو طرف دعوا برقرار گردد. بنابراین تقدم امر به امنیت بر امر به عدالت، دلالت بر اهمیت امنیت نسبت به عدالت دارد.

۶- آیه آمادگی دفاعی

﴿وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال/۶۰).

دلالت آیه یادشده بر لزوم آمادگی دفاعی و در نتیجه ترساندن دشمنان آشکار و پنهان خدا و مسلمانان، از اهمیت امنیت حکایت دارد؛ چه اینکه ترس دشمنان سبب می‌شود که آنها از تهدید مسلمانان بپرهیزند و در نتیجه، مسلمانان با نبود تهدید، در امنیت قرار بگیرند.

آیات جهاد، قصاص، حدود و دیات که بیشتر سطوح ناامنی در سطح جامعه را پوشش داده و ابعاد مختلفی از امنیت را مد نظر قرار می‌دهد، بر اهمیت امنیت دلالت دارد.

گروه سوم آیات مانند گروه نخست از اهمیت امنیت حکایت دارد؛ چه اینکه در آیات وحی، هیچ نیازی از نیازمندی‌های بشر به اندازه امنیت مورد توجه قرار نگرفته است.

مرحله سوم: سنجش و ارزیابی

آیات عدالت از چند جهت بر اهمیت بیشتر آن در مقایسه با امنیت دلالت دارد:

الف) ویژگی‌های آیات یادشده

ویژگی‌هایی که برای عدالت در آیات مربوط آمده، از ویژگی‌های امنیت در آیات امنیت بالاتر و برتر است؛ در آیات عدالت، فلسفه ارسال رسل برقراری عدالت معرفی می‌شود، پیامبران به عدالت فرا خوانده می‌شوند، اهل ایمان به تأمین عدالت دعوت می‌گردند، برقرارکنندگان عدالت تمجید و تکریم می‌شوند، قتل عدالت‌پیشگان از خصوصیات کافران نشان داده می‌شود، قتل عدالت‌پیشگان عذابی سخت در پی دارد، مطلق عدالت مطلوب خداوند معرفی می‌شود، خدشه بر امنیت یک گروه برای رسیدن به عدالت روا خوانده می‌شود و جنگ با یک گروه برای از میان بردن اختلاف میان دو گروه تجویز می‌گردد.

در آیات امنیت، ابراهیم علیه السلام برای مکه درخواست امنیت می‌کند، خداوند به بخشی از مجاهدان جنگ احد امنیت می‌دهد، یوسف علیه السلام از امنیت مصر برای برادران می‌گوید، امنیت وعده الهی برای مؤمنان خوانده می‌شود، قوم سبأ در امنیت قرار می‌گیرند و امنیت از نعمت‌های بهشت خوانده می‌شود.

مقایسه آیات عدالت و امنیت اولاً از تفاوت ویژگی‌های این دو در آیات وحی، و ثانیاً از ارزش و منزلت بیشتر ویژگی‌های عدالت نسبت به امنیت حکایت دارد. عدالتی که به‌عنوان فلسفه تشریح دین، ارسال رسل، وظیفه پیامبر و ... آمده است، به‌صورت قطع و یقین از امنیتی که ابراهیم علیه السلام برای مکه درخواست می‌کند یا از خصوصیات شهر آباد قرار گرفته یا در مصر برقرار است، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین به حکم جایگاه برتر ویژگی‌های عدالت نسبت به امنیت، اهمیت عدالت بیشتر از امنیت خواهد بود.

ب) عدالت کلی است و امنیت جزئی

در آیات عدالت، عدالت به‌عنوان یک امر کلی مطرح است، در صورتی که امنیت به‌عنوان یک امر جزئی و «قضیه فی واقعه» دیده می‌شود. عدالتی که فلسفه تشریح دین، ارسال رسل، تکلیف پیامبران و ... قرار می‌گیرد، به زمان و مکان خاصی تعلق نمی‌گیرد، بلکه یک امر کلی در نظر گرفته می‌شود، اما امنیتی که درخواست



ابراهیم علیه السلام است و از ویژگی‌های شهر آباد خوانده شده و مورد توجه یوسف علیه السلام قرار می‌گیرد، جزئی و ناظر به مکان و زمان خاصی است.

ج) ناظر نبودن آیات امنیت به اهمیت امنیت

در آیات عدالت از آن جهت که خداوند فلسفه ارسال رسل را برقراری عدالت و نه امنیت قرار داده است، اهمیت عدالت نتیجه گرفته می‌شود، اما در آیات امنیت چنین نتیجه‌ای قابل حصول نیست؛ چه اینکه در آیات امنیت امکان طرح عدالت به‌عنوان گزینه بدیل امنیت وجود ندارد. برای نمونه در آیه نخست از گروه اول آیات امنیت (بقره/۱۲۶)، ابراهیم علیه السلام در مقطعی درخواست امنیت می‌کند که هاجر و اسماعیل در محیطی بیابانی و خشک و بی‌آب و علف و پرخطر ساکن می‌شوند و پرواضح است که برای چنین محیطی که ساکنان اولیه‌اش تنها خانواده ابراهیم (هاجر و اسماعیل) هستند، بهترین و مناسب‌ترین گزینه، درخواست امنیت است، نه عدالت و دیگر نیازهایی که بشر در یک زندگی اجتماعی لازم است از آن برخوردار باشد.

آیه دوم از گروه اول (آل عمران/۱۵۴) نیز هرچند از اهمیت امنیت برای مجاهدان جنگ احد حکایت دارد، اما از اهمیت امنیت نسبت به عدالت حکایت ندارد؛ چه اینکه مطلوب سپاهی که طعم شکست را چشیده و سایه مرگ را با تمام وجود احساس می‌کند، رفع ترس و نگرانی و تأمین امنیت است، نه عدالت.

آیه سوم از گروه اول (یوسف/۹۹) نیز احساس ناامنی یعقوب علیه السلام و خانواده ایشان از ورود به مصر را مد نظر قرار داده؛ ﴿وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ﴾ (یوسف/۶۷) و روشن است که در چنین شرایطی، امنیت‌بخشی بهترین گزینه است و عدالت‌بخشی مناسب با وضعیت برادران نیست؛ چه احساس ناامنی به جهت ترس از حکومت فرعونیان باشد، یا ترس از انتقام یوسف علیه السلام از برادران باشد، یا ورود بی‌مجوز به مصر و بازداشت و شکنجه مهاجران غیر قانونی (فخر رازی، ۲۱۱/۱۸).

آیه چهارم از گروه اول (نحل/۱۱۲) نیز اولاً با اما و اگر تنها بر اهمیت امنیت نسبت به اطمینان و فراوانی رزق دلالت دارد، نه نسبت به عدالت که مسأله این

پژوهش است. ثانیاً آیه شریفه چنان‌که علامه طباطبایی می‌گوید، در مقام بیان نعمت‌های مادی شهر مکه است و نه نعمت‌های معنوی، مانند آمدن پیامبر ﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (نحل/۱۱۳) و عدالت. ثالثاً در شهر مکه، امنیت، اطمینان و آرامش و فراوانی رزق وجود دارد و در نتیجه توصیف این شهر به صفات یادشده صحیح است، اما توصیف به عدالت از آن جهت که در مکه عدالت حاکم نیست، صحیح نمی‌باشد. رابعاً اگر توصیف مکه به امنیت دلالت بر اهمیت امنیت نسبت به عدالت داشته باشد، توصیف به اطمینان و آرامش و فراوانی رزق نیز دلالت بر اهمیت آرامش و فراوانی رزق نسبت به عدالت خواهد داشت، در صورتی که چنین اهمیتی را هیچ کس مدعی نیست.

آیه پنجم از گروه اول (نور/۵۵) نیز امنیت را هدف استقرار خداوند و استخلاف صالحان معرفی نمی‌کند تا در نتیجه اهمیت امنیت نسبت به عدالت نتیجه‌گیری شود، بلکه امنیت مانند استخلاف و استواری دین و آیین، از بشارت‌های خداوند نسبت به اهل ایمان و عمل صالح می‌باشد.

آیه ششم از گروه اول (قصص/۵۷) نیز نه دلالت بر اهمیت امنیت دارد، و نه دلالت بر اهمیت امنیت نسبت به عدالت؛ چه اینکه آیه شریفه ناظر به امنیت کسانی است که به بهانه ناامنی، از پذیرش دعوت پیامبر طفره می‌رفتند.

آیه هفتم (سبأ/۱۸) ناظر به امنیت در سفر است و امنیت در سفر دلالت بر اهمیت امنیت نسبت به عدالت ندارد. امنیت در سفر از لوازم سفر است و لازمه سفر دلالت بر اهمیت امنیت نسبت به عدالت ندارد.

آیه هشتم (سبأ/۳۸) با فرض دلالت بر اهمیت امنیت، تنها بر اهمیت امنیت در آخرت دلالت دارد، نه در دنیا.

آیه نهم (قریش/۴) هم ناظر به امنیتی است که خداوند به مکیان با نابودی سپاه ابرهه ارزانی داشت.



بررسی دلالت گروه سوم از آیات امنیت

دلالت این گروه از آیات بر اهمیت امنیت در مقایسه با عدالت از چند جهت محل تأمل است:

جهت نخست آنکه قرار دادن آیات جهاد، قصاص، دیات و حدود در شمار آیات امنیت، اول مدعاست؛ چه اینکه جهاد، قصاص، دیات و حدود، حق خوانده شده و از آن جهت که دادن حق به صاحب حق عدالت است، آیات یادشده در شمار آیات عدالت قرار می‌گیرد، نه امنیت. جهاد حقی است که خداوند به مسلمانان برای دفاع از خود داده است، چنان‌که قصاص، حدود و دیات، حقی است که با هدف جلوگیری از انتقام‌گیری‌های عرب جاهلی به مجنی علیه، ولی و خانواده او و عموم مردم داده شده است (طوسی، الخلاف، ۶۷/۵؛ اعرج، ۱۵۳/۳؛ شهید ثانی، ۹۰/۱۰؛ فاضل هندی، ۵۸۳/۱۰؛ زرکشی، ۴۵۶/۲).

جهت دوم آنکه فلسفه جهاد در آیات وحی حمایت از مظلوم و دفع ظلم است و به قرینه تقابل عدالت و ظلم، هدف اولی و اصلی جهاد، برقراری عدالت و هدف ثانوی و فرعی تأمین امنیت خواهد بود؛ ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ (نساء/۷۵)، ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (حج/۳۹).

جهت سوم آنکه هیچ‌گونه ناسازگاری میان آیات جهاد و عدالت وجود ندارد؛ چه اینکه آیات جهاد ناظر به ظلمی است که کافران و مشرکان نسبت به مسلمانان روا داشته و آیات عدالت ناظر به کسانی است که پایبند به عدالت بوده و نسبت به دیگران ظلم و ستم روا نمی‌دارند.

افزون بر این، دیگر آیات امنیت نیز از اهمیت امنیت خبر نمی‌دهد. برای نمونه هیچ‌یک از سه فراز آیه اصلاح ذات‌البین از اهمیت امنیت حکایت ندارد؛ چه اینکه تمامی سه فراز (۱- اصلاح ذات‌البین، ۲- برخورد با گروه متجاوز و واداشتن ایشان به ترک مخاصمه، ۳- سازش میان دو گروه) به قرینه دیگر آیات، باید استوار بر عدالت باشد و ظالمانه نباشد؛ چنان‌که آیه شریفه ﴿وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾

(انفال/۶۰) با هدف ترساندن دشمنان و پیشگیری از ظلم و ستم ایشان و در نتیجه آن تأمین امنیت است.

نتیجه گیری

سه نظریه در بحث اهمیت عدالت و امنیت وجود دارد. در یک نظریه، امنیت اهمیت دارد و عدالت از جهت اهمیت پس از آن قرار می گیرد. در نظریه دوم، عدالت اهمیت دارد و امنیت پس از عدالت قرار می گیرد. و در نظریه سوم، عدالت و امنیت از جهت اهمیت هم‌رتبه هستند و هیچ یک اهمیت بیشتری در برابر دیگری ندارد. از میان سه دیدگاه یادشده، دیدگاه اول و دوم درخور مستندسازی به قرآن است، اما از آن جهت که ویژگی‌های عدالت در آیات عدالت از ویژگی‌های امنیت در آیات امنیت ارزش و اعتبار بیشتری دارد، به این جهت خود عدالت نیز از امنیت اهمیت بیشتری خواهد داشت. افزون بر این، مستندات قرآنی یادشده از نگاه عدالت‌محورانه قرآن در زندگی اجتماعی و فردی حکایت دارد و نگاه امنیتی به زندگی اجتماعی و فردی را برنمی‌تابد و یا دست‌کم پس از نگاه عدالت‌محورانه قرار می‌دهد.

پی‌نوشت

۱- در تفسیر و مراد از کلمه «الْمِيزَان» در آیه شریفه چندین دیدگاه وجود دارد. برخی میزان را عقل می‌دانند، شماری حس، برخی تجربه، تعدادی عدل، گروهی دین و ... (نیشابوری، ۱۰۷۱/۲؛ بغوی، ۲۹۹/۴).

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اخوان کاظمی، بهرام؛ عدالت در نظام سیاسی اسلام، تهران، دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ش.



۴. آملی، سید حیدر؛ تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخظم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم، قم، نور علی نور، ۱۴۲۸ق.
۵. بغوی، حسین؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۶. ثعلبی، احمد بن محمد؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۷. حائری تهرانی، علی؛ تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۳۷ق.
۸. حر عاملی، محمد؛ الفوائد الطوسیة، قم، بی نا، ۱۴۰۳ق.
۹. حقیقت، صادق؛ «اصول عدالت سیاسی»، نقد و نظر، شماره ۱۰-۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ۳۶۸-۳۸۹.
۱۰. حکیمی، محمدرضا؛ الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۱. حلی، ابن ادریس؛ السرائر، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حلی، ابن فهد؛ الرسائل العشر، تحقیق رجائی، قم، سید الشهداء، ۱۴۱۰ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۴. دروزه، محمد عزت؛ التفسیر الحدیث، قاهره، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۵. رازی، ابوالفتح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۱ش.
۱۶. سبکی، علی؛ فتاوی السبکی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۷. شربینی، محمد؛ مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر نشر اسلامی، بی تا.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۲۰. _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة العلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط، بی جا، المکتبه المرتضویة لاحیاء آثار الجغرفیة، بی تا.
۲۲. _____؛ التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.

۲۳. _____؛ الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی ۱۴۰۷ق.
۲۴. عاملی (شهید ثانی)، زیدبن علی؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، نجف، جامعة النجف الدينية، ۱۳۸۶ق.
۲۵. عراقی، آقا ضیا؛ شرح تبصرة المتعلمين، قم، بی نا، بی تا.
۲۶. عنایت، حمید؛ بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ش.
۲۷. عینی، محمودبن احمد؛ عمدة القاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. فارابی، ابونصر؛ التنبيه على سبيل السعادة، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ش.
۲۹. فتال نیشابوری، محمد؛ روضة الواعظین، قم، شریف رضی، بی تا.
۳۰. فخر رازی، محمدبن عمر؛ التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. قدامه، عبدالله؛ المغنی، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.
۳۲. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. قلقشندی، احمد؛ صیح الاعشى فی صناعة الانشا، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۳۴. قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، چاپ و نشر ارشاد، ۱۴۰۷ق.
۳۵. کاشانی، فتح الله؛ زبدة التفاسیر، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۳۶. لیشی واسطی، علی؛ عیون الحکم و المواعظ، بیروت، دار الحدیث، بی تا.
۳۷. مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر المبین، بی جا، دار الكتاب الاسلامی، بی تا.
۳۸. نجفی، هادی؛ موسوعة احادیث اهل البيت، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۳۹. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، بیروت، آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۰. واحدی نیشابوری، علی؛ الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار القلم، ۱۴۲۵ق.
۴۱. واعظی، احمد؛ جان رالز، از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۴۲. هابز، توماس؛ لویاتان، ترجمه حسین بشریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ش.